

اعتدال طلایی ارسطو در تحلیل ابونصر فارابی

زهره توازیانی*

چکیده

از مجموع نظریاتی که در علم اخلاق مطرح شده‌اند، نظریه اعتدال ارسطویی بیشترین اقبال را در میان متفکران مسلمان و از جمله فارابی که مؤسس فلسفه اسلامی محسوب می‌شود، داشته است. مسئله این است که آیا فارابی در طراحی نظام اخلاقی خویش به صرف تقلید و بیان و شرح و بسط نظر ارسطو بسنده کرده یا اینکه او نیز خود در زمینه اخلاق صاحب رأی و نظر مستقل بوده است؟ نوشتار حاضر پی آن است تا با ارائه گزارشی مستند از آراء فارابی در حوزه اخلاق نشان دهد که با وجود تأثیر انکارناپذیر ارسطو بر اندیشه او در شکلگیری بعضی از عناصر فکری فارابی در حوزه اخلاق از جمله غایت‌نهایی دانستن سعادت و تمسک به نظریه حدوسط در فضایل و طرح فضایل چهارگانه مورد عنایت ارسطو، اما او در همه این مسائل نیز به شرح و بسط اکتفا ننموده و نظریات خاص خود را ارائه نموده است. فارابی بطور مشخص سعادت را از حد یک مفهوم صرف اخلاقی با کاربردی فردی، به حوزه اجتماع و مدینه کشانده و آن را اساس نظامهای سیاسی مبتنی بر فضیلت قلمداد نموده است و

۹

* دانشیار گروه فلسفه دانشگاه الزهراء(س)؛ drztavaziany@yahoo.com

تاریخ تأیید: جلسه هیئت تحریریه ۹۲/۴/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۱۳



شاخصهای کاملاً دینی را در این حوزه وارد نموده و بخوبی از تبیین آن برآمده است؛ هر چند که اندیشه وی در این زمینه نیز خالی از نقد نمیباشد. اما آنچه فارابی را در حوزه اخلاق در جرگه ارسطوئیان قرار میدهد، مسئله طرح حدوسط در تعیین فضایل اخلاقی و بعنوان یک ضابطه در این تعیین است که نوشتار حاضر با تکیه بر این مسئله میخواهد نشان دهد که چگونه فارابی نظام اخلاقی خویش را با عناصر برگرفته از سنت ارسطویی سامان داده است و نتایج این تلاشها در حد مقدور در این مقاله به تصویر کشیده شده است که حاصل آن اثبات ادعای مذکور میباشد.

کلید واژه‌ها: اخلاق، سعادت، فضیلت، حدوسط - مدینه، فارابی، ارسطو

* * *

مقدمه

از میان فیلسوفانی که در حوزه اخلاق بیشترین تأثیر را بر اندیشه متفکران اسلامی داشته‌اند، به جرئت میتوان از ارسطو نام برد. اندیشمندان مسلمان از جمله فارابی، ابن‌سینا، ابن‌مسکویه، خواجه نصیرالدین طوسی، شیخ اشراق، ملاصدرا، ملا احمد نراقی و دیگر متفکران مسلمانی که در حوزه اخلاق کار کرده‌اند برغم تفاوتی که در جزئیات مباحث اخلاقی خود دارند، اما همگی در اینکه «اخلاق شریعتمدار» را همان «اخلاق فضیلت محور» دانسته‌اند، اتفاق نظر دارند و ارسطو شاخصترین فیلسوف مورد توجه ایشان در این نوع از نظام اخلاقی است.

در میان حکمای مسلمان بطور مشخص میتوان از کسانی نام برد که در طراحی نظام اخلاقی خویش وامدار نظریه «اعتدال طلایی»^۱ ارسطویی هستند. بعبارتی، ساختار نظام فکری ایشان در حوزه اخلاق صورتی از تحلیل مفاهیم مندرج در آن نظریه است با این تفاوت که عناصر دینی سایه خود را بر این تحلیل افکنده و رنگ و بوی مذهبی به آنها داده است. نوشتار حاضر در پی آن است که نشان دهد این ادعا تا چه اندازه به واقع نزدیک است.

1. Golden Mean